

خشونت در روابط هم‌جنس‌گرایان؛ پدیده شایع و پنهان

photo: michaklootwijk/depositphotos.com

«اولش به روی خودم نمی‌آوردم. مدام به من شک داشت و وسایلم را می‌گشت. هرچه توضیح می‌دادم که من فقط با تو رابطه دارم، باور نمی‌کرد. آن قدر باورم نکرد که رفت و آمدهایم را هم کنترل می‌کرد. وقتی با دخترهای دیگر صحبت می‌کردم، همیشه سوال و جواب می‌کرد تا این که من را در خانه حبس کرد. اما بالاخره ازش جدا شدم.»

خشونت خانگی بین زوج‌های غیردگرجنس‌گرا نیز وجود دارد؛ شاید شدت و حدت آن متفاوت باشد اما نوع خشونت‌ها یکسان است.

«الینا آذری»، مترجم و کنش‌گر حقوق هم‌جنس‌خواهان است که مدتی را در ترکیه به انتظار قبول پناهندگی خود گذرانده است. او اکنون در کانادا سکونت دارد و برای «ایران‌وایر» از خشونت خانگی رایج میان دگرباشان جنسی روایت کرده است.

او می‌گوید رایج‌ترین خشونت‌ها بین دگرباشان جنسی، خشونت کلامی است که با تحقیر رفتار و مدل شخصیت «یا» زیرسوال بردن جنسیت و گرایش «طرف مقابل همراه است»: «در میان زوج‌های لژیون دچار خشونت خانگی، به راحتی اعتماد از بین می‌رود و مدام گفته می‌شود که "تو لژیون نیستی" یا "از کجا معلوم که بای سکشوال نباشی". بای سکشوال یا دوجنس‌گرا کسی است که به بیش از یک جنس گرایش جنسی و یا عاطفی دارد. این قبیل رفتارها و گفتارها در نهایت به محدود شدن طرف مقابل ختم می‌شود.»

بای سکشوال بودن با این که یک گرایش جنسی مستقل است، هم چنان یکی از بهانه‌های دگرجنس‌گرایان و هم‌جنس‌گرایان برای تبعیض قایل شدن علیه دوجنس‌گرایان و اقلیت تلقی کردن آن‌ها است و باعث طردشدگی و به حاشیه راندن این افراد نیز می‌شود.

الینا می‌گوید: «بای‌ها نسبت به بقیه گروه‌های جنسی در اقلیت هستند. اعتمادی به آن‌ها نیست و مهم‌ترین دلیل، توانایی هم‌بستر شدن آن‌ها با هر دو جنسیت زن و مرد است؛ این تصور که اگر فلانی می‌تواند با پسر هم بخوابد، از کجا معلوم که رابطه‌اش با من ماندگار باشد؟ برای خیلی‌ها هم این توانایی زیر سوال می‌رود که چه طور شخصی می‌تواند هم با زن و هم با مرد هم‌بستر شود؛ یا این تصور که اگر با پسر هم خوابگی می‌کند، پس حتماً شخصیتی منفعل در رابطه است.»

این‌ها دقیقاً مجموعه‌ای از پیش‌داوری‌های نادرست درباره دوجنس‌گرایان است. بدین ترتیب، هم‌جنس‌گرایان درست همان خشونت‌هایی را که جامعه هم‌جنس‌گراستیز بر آن‌ها اعمال می‌کند، نسبت به گروه دیگری از دگرباشان جنسی، یعنی دوجنس‌گرایان بازتولید می‌کنند.

جامعه دگرباشان جنسی متشکل از افرادی است که گرایش‌های جنسی جز دگرجنس‌گرایی دارند یا هویت جنسی و جنسیتی خود را متفاوت با آن چه در جامعه به آن‌ها اطلاق شده است، هویت‌یابی می‌کنند. «ترنس سکشوال‌ها» (تراجنسی‌ها) و «ترنس‌جندها» (تراجنسیتی‌ها) افرادی هستند که هویت جنسیتی متفاوت از هویت فیزیکی دارند؛ یعنی جنسیت خود را در تطابق با جنسیتی که بر اساس جنس آن‌ها - یعنی ظاهر آلت جنسی خود - در بدو تولد به آن‌ها داده شده است، نمی‌یابند. در ایران مانند بسیاری دیگر از کشورها، فرآیندهایی شامل جراحی و هورمون‌درمانی برای این افراد بعد از تست‌های روان‌شناسی و تایید پزشکی قانونی در حال انجام است. تنها بعد از پایان تمامی مراحل پزشکی است که فرد ترنس سکشوال می‌تواند تقاضای تغییر شناسنامه و سایر اوراق هویتی را تسلیم مقامات قضایی کند.

با توجه به موانع فرهنگی و همچنین مشکلات اقتصادی ترنس سکشوال‌ها و هزینه بالای اعمال جراحی و هورمون‌درمانی در ایران، بسیاری از این افراد قادر به تکمیل این بخش از فرآیند نیستند.

قوانین ایران هیچ‌گونه پیش‌بینی برای افرادی که در میان این فرآیند هستند یا ترنس‌جندها هستند و نمی‌خواهند فرآیند پزشکی، به ویژه جراحی بخش دستگاه جنسی را انجام دهند، ندارد. در این شرایط، این افراد از دسترسی به امکانات آموزشی، فرهنگی و شغلی محروم

هستند و بدین ترتیب، به اقشار فرودست جامعه در تنگنای اقتصادی می‌پیوندند.

الینا می‌گوید: «پیش‌تر به آن‌ها به چشم فاحشه‌های جنسی نگاه می‌شد اما بین دگرباشان انگار آدم‌هایی هستند که اصلاً نمی‌شود با آن‌ها رابطه برقرار کرد. دور و بر خودم را که نگاه می‌کنم، کم‌تر کسی را می‌بینم که حاضر است با آن‌ها ارتباط برقرار کند. البته آن‌ها در کشوری مثل کانادا از انفعال درآمده‌اند و سعی دارند وارد گروه‌های مختلف شوند. در واقع، امروز آن‌ها هستند که به تنهایی برای حقوق برابر بین دگرباشان تلاش و مقابل این خشونت پنهان ایستادگی می‌کنند. این گروه به خاطر فیزیک خود به شکل آدم‌هایی غریبه درآمده‌اند و این تصور اشتباه حتی بین هم‌جنس‌خواهان نیز رایج است که آن‌ها "معمولی" یا "نرمال" نیستند. در حالی که باید پذیرفت قالبی برای تعریف نرمال بودن وجود ندارد.»

«کنترل»، «نقض حریم خصوصی»، «بی‌اعتمادی»، «و» هراس همیشگی «از جمله مواردی است که زوج‌های هم‌جنس‌خواه با آن مواجه هستند:» با تمام انواع خشونت‌هایی که در روابط دگرجنس‌خواهی وجود دارد، در روابط دگرباشان جنسی نیز مواجه ایم. به وفور این مساله را دیده‌ام که در روابط هم‌جنس‌خواهی به حریم خصوصی هم‌دیگر تجاوز می‌کنند. مساله فقط شک و چک کردن گوشی تلفن نیست؛ بدون این که به ظن خود مطمئن باشند، به طرف مقابل حمله زبانی کرده و در مقابل بقیه به راحتی دیگری را به شک و تردیدهای خود متهم می‌کنند.»

به گفته الینا، هم‌جنس‌خواهان در معرض خشونتی دیگر نیز قرار دارند که از سوی افرادی که هنوز هویت جنسی خود برای‌شان مشخص نشده، مواجه هستند: «این نمونه برای خود من اتفاق افتاد. با دختری به عنوان دوست معمولی آشنا شدم اما او وابستگی عاطفی پیدا کرد و با وجود آن که تا به حال جنبه هم‌جنس‌خواهی خود را امتحان هم نکرده بود، فشار می‌آورد که با او وارد رابطه شوم و وقتی جواب منفی شنید، شروع به آزار و اذیت کرد تا من را در شرایط منفعل قرار دهد. در واقع، افراد بدون آگاهی، به صرف علم به این که طرف مقابل هم‌جنس‌خواه است، می‌خواهند به او نزدیک شده و رابطه عاطفی - جنسی برقرار کنند.»

به نظر می‌رسد میل به تجربه کردن یک رابطه با هم‌جنس موجب می‌شود دیگران به خود اجازه دهند به این افراد بیش از حد مجاز اصرار کنند و گاهی تا مرز تجاوز پیش بروند.

خشونت کلامی، رفتاری و در انزوا و انفعال قرار دادن شریک عاطفی در زوج‌های هم‌جنس‌خواه بیش‌تر از خشونت فیزیکی ابراز می‌شود به طوری که الینا می‌گوید: «معمولاً اگر خشونت فیزیکی در رابطه‌ای ایجاد شود، کم‌تر از آن صحبت می‌شود. خشونت فیزیکی تابویی است که در بین تمام روابط وجود دارد و همان‌طور که در روابط "استریت" (دگرجنس‌خواه) در قبال آن سکوت می‌شود، دگرباشان نیز در این خصوص ساکت هستند. البته سکوت آن‌ها بیش‌تر است چرا که نمی‌دانند در مقابله با این خشونت‌ها چه باید بکنند.»

در کشورهایی مانند ایران که روابط دگرباشی در آن نه تنها تابوی اجتماعی است بلکه قوانین حاکم نیز موجودیت این گروه‌های جنسی را به رسمیت نشناخته، در نسبت با خشونت میان شرکای عاطفی بیش‌تر سکوت اختیار می‌شود.

این مساله در کشورهایی که دگرباشان جنسی را پذیرفته‌اند اما کم‌تر به چشم می‌خورد. وجود مراکز مددکاری و درمانی ویژه و قوانینی که در حمایت از قربانی خشونت‌های خانگی به گرایش جنسی و هویت جنسیتی توجهی ندارد، کمک و حمایت بزرگی برای گروه‌های اقلیت جنسی محسوب می‌شود اما باز هم آسیب‌دیده‌ها کم‌تر از آن سخن می‌گویند.

در تحقیق‌های انجام شده روی خشونت در روابط هم‌جنس‌خواهان، «ترس و شرم از بیان آسیب‌دیدگی» و «تمایل به حفظ آبروی جامعه دگرباش» از جمله مهم‌ترین عوامل سکوت در قبال این نوع از خشونت است. اما همان‌طور که در روابط دگرجنس‌خواهان آمار دقیقی در این مورد وجود ندارد، در این خصوص نیز آماری در دست نیست. اگرچه از «استرس در اقلیت بودن»، «ترس و نگرانی از مورد تبعیض قرار گرفتن»، «هم‌جنس‌گرا ستیزی درونی شده» و «تجربه خشونت به دلیل هویت جنسی» به عنوان مهم‌ترین عوامل انعکاس خشونت نسبت به شریک عاطفی نام برده شده است.

بسیاری فکر می‌کنند زنان هم‌جنس‌خواهی که رفتاری مردانه دارند، خشونت بیش‌تری در مقابل شریک عاطفی خود نشان می‌دهند: «در روابطی که یک نفر کمی پسرانه‌تر است، این تصور ایجاد می‌شود که او فرد خشنی است در حالی که موارد بسیاری در اثبات عکس این تصور وجود دارد. درست است که برخی از زنان هم‌جنس‌خواه نیز فکر می‌کنند چون لژیون هستند، باید کاملاً مردانه رفتار کنند تا هویت جنسی آن‌ها مفهوم پیدا کند و تا اعمال خشونت نیز پیش می‌روند [اما این فراگیر نیست]: مثلاً یک‌بار در کافه‌ای در ترکیه نشسته بودیم که پنج لژیون با لباس‌های مردانه گشاد و پرها و رفتار مردانه هم حضور داشتند. چند باری چشم در چشم شدیم. آمدند سر میز ما و به حالت دعوا داد زدند که "چی می‌گین شماها؟" در واقع، این‌ها همه زناتی هستند که این قابلیت را در خود بر اساس تصویرهای اشتباهی که دریافت کرده‌اند، پرورش داده‌اند.»

در یک نظرسنجی در خصوص خشونت در روابط هم‌جنس‌خواهی که تهیه و تدوین آن از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ به طول انجامید، مشخص شد نرخ قربانیان خشونت بر اساس گرایش جنسی، شامل تجاوز و خشونت فیزیکی شریک جنسی، برای لژیون‌ها ۸.۳۴ درصد، برای زنان

دوجنس‌گرا ۱.۱۶ درصد و برای زنان با گرایش جنسی به جنس مخالف ۵۳ درصد است. طبق همین گزارش، ۶۲ درصد مردان هم‌جنس‌خواه، ۳.۷۳ درصد مردان دوجنس‌گرا و ۹۲ درصد مردان دگرجنس‌خواه از سوی شرکای عاطفی - جنسی خود مورد خشونت قرار گرفته‌اند.

این نتایج، این تصور را که زنان عامل خشونت نیستند زیر سوال می‌برد و همچنین نشان می‌دهد که اگرچه سکوت در این خصوص همه جا برقرار است اما خشونت میان زوج‌های هم‌جنس‌خواه و سایر گروه‌های دگرباش جنسی نیز همانند دگرجنس‌خواهان وجود دارد؛ خشونتی که با توجه به تابویی که آن‌ها را در بر گرفته، باعث انزوای بیش‌تر آن‌ها می‌شود.

منبع: [ایران‌وایر](#)